

## نقد و معرفی کتاب آرای تربیتی زرنوجی و پاسخ به نقد احمد قواد اهوانی

علی نقی فقیهی\*

انجام دادن پژوهش آن هنگام به پیشرفت علم خدمت می‌کند که محققان یافته‌های تحقیقی خود را به رشته تحریر درآورند و دانشمندان بعدی نیز با استفاده از آنها فعالیت‌های علمی جدیدی را سازمان دهند.

در این مقاله نگارنده به معرفی یکی از آثار تربیتی قرن ششم هجری می‌پردازد. مؤلف این اثر برهان‌الدین زرنوجی از دانشمندان و مربیان اسلامی است که یافته‌های تحقیقی خویش و اسلاف استادان خود را در این کتاب جمع‌آوری کرده است. این اثر، در حقیقت بیانگر تعلیم و تربیت قرن ششم هجری در ماوراءالنهر، واقع در آسیای مرکزی است.

زرنوجی اهل زرنوج یا زرنوق، شهری در ماوراءالنهر واقع در ترکستان

شرقی در آسیای مرکزی است.<sup>۱</sup> تاریخ وفات وی<sup>۲</sup> ۵۷۱ یا ۵۹۱ ذکر شده است.<sup>۳</sup>

وی در فقه و تعلیم و تربیت، استادان متعددی داشته است. او در کتاب خویش از سه نفر به عنوان «استاد ما» یاد می‌کند و برخی از تعلیمات، روشها و نظرات فقهی و تربیتی را از آنان نقل می‌نماید. این سه عبارتند از: برهان‌الدین علی بن ابی‌بکر الفرغانی<sup>۴</sup> (متوفی ۵۹۳)، فخرالاسلام حسن بن منصور الفرغانی قاضی خان<sup>۵</sup> (متوفی ۵۹۲)، سدیدالدین شیرازی<sup>۶</sup>. اینها به صورت مستقیم به او آموزش داده‌اند و کم و بیش در وی اثر تربیتی داشته‌اند و او در کتابش با اهمیت بیشتری از آنها یاد کرده است.

زرنوجی از شخصیت‌های دیگری بعنوان «استاد ما» یاد می‌کند که یا از کتاب آنها استفاده کرده‌است مانند رضی‌الدین نیشابوری<sup>۸</sup> صاحب

۱. علی‌اکبر دهخدا، لغت‌نامه، ذیل واژه؛ محمد داغ و حفظ الرحمن رشید اویمن، تاریخ تعلیم و تربیت در اسلام، ترجمه علی‌اصغر کوشافر، تبریز ۱۳۹۶ ش، ص ۹۶.
۲. دکتر عبدالله عبدالدائم، التریب عبر التاریخ من العصور القديمة الی اوائل القرن العشرين، بیروت، ص ۲۶۰؛ احمد عطیة، القاموس الاسلامی، قاهره، ج ۳، ص ۵۸.
۳. در تاریخ وفات زرنوجی نظریات دیگری وجود دارد. دائرةالمعارف الاسلامیة، بیروت، ج ۱۰، ص ۳۴۵-۳۴۶.
۴. مؤلف کتاب الهدایة فی فروغ الفقه است. او اهل شهر فرغانه واقع در آسیای مرکزی است و تأثیر زیادی بر زرنوجی داشته است. به همین دلیل در همه منابعی که از زرنوجی نام برده شده است، با تعبیر «تلمیذ صاحب الهدایة» از او تعریف کرده است.
۵. زرنوجی در صفحات ۴، ۱۱، ۱۶-۱۷، ۱۹ کتاب خود از وی به عنوان «استاذنا» یاد کرده و در این موارد و صفحات ۶، ۱۰، ۳۱ و... از او مطالب تربیتی نقل می‌کند.
۶. دائرةالمعارف الاسلامیة، ج ۱۰، ص ۳۴۵، ۳۴۶. ۷. همان، ص ۴، ۷.
۸. رضی‌الدین نیشابوری معروف به استاد الاثمة، دانشمند و شاعر نیمه دوم قرن ششم (متوفی ۵۹۸) کتاب مکارم الاخلاق او به پارسی است. (دهخدا، ذیل واژه).

مکارم الاخلاق<sup>۱</sup> و یا از آنها مطالبی در تعلیم و تربیت در قالب شعر، تاریخ و نظایر آن شنیده است مانند فخرالدین کاشانی<sup>۲</sup> و رکن الاسلام معروف به «الادیب المختار»<sup>۳</sup>.

زرنوجی خود حنفی مذهب است و شخصیت‌هایی هم که وی از آنان مطالبی نقل می‌کند، همه (به جز رجال قرن اول هجری) حنفی‌اند، اگرچه مطالب نقل شده از آنان دربارهٔ تعلیم و تربیت است و نسبتی با مذهب خاصی ندارد.<sup>۴</sup>

تنها اثر زرنوجی تعلیم المتعلم طریق التعلم است. او بدلیل نگارش این کتاب پس از وفات به عنوان فیلسوف<sup>۵</sup> و عالم تربیتی مشهور<sup>۶</sup> شد و در طول قرون گذشته شروح و تعلیقات متعددی، بر این کتاب نوشته‌اند از جمله قاضی زکریای انصاری مصری ملقب به شیخ الاسلام<sup>۷</sup> (متوفی ۹۲۶) و ابراهیم بن اسماعیل که از دانشمندان قرن دهم است. وی شرح خود را برای سلطان مرادخان سوم پسر سلیم در سال ۹۹۶ به رشته تحریر درآورد و آن را شرح تعلیم المتعلم نامید.<sup>۸</sup> این شرح در ۱۳۱۱ در قاهره به چاپ رسیده است.<sup>۹</sup>

کتاب زرنوجی در ۱۷۰۹ میلادی به لاتین<sup>۱۰</sup> ترجمه و در همان سال در آلمان چاپ شد<sup>۱۱</sup>، و در ۱۸۳۸ در لایپزیک انتشار یافت.<sup>۱۲</sup> در ۱۹۴۷ نیز

- 
۱. همان، ص ۸. ۲. زرنوجی، ص ۱۳. ۳. همان، ص ۳، ۱۹.
  ۴. دائرةالمعارف الاسلامیه، ج ۱۰، ص ۳۴۶. ۵. همان، ص ۳۴۵.
  ۶. احمد عطیةالله، القاموس الاسلامی، قاهرة ج ۳، ص ۵۸.
  ۷. وی صاحب کتاب فتح الرحمن در تفسیر و ارشاد الساری در حدیث نیز هست (عطیةالله، ج ۳، ص ۶۹).
  ۸. سرکیس یوسف الیامه، معجم المطبوعات العربیة و المعربیة، ج ۱، ص ۱۱.
  ۹. دائرةالمعارف الاسلامیه، ج ۱۰، ص ۳۴۶. ۱۰. محمد داغ و رشید اویمن، ص ۹۶.
  ۱۱. یوسف الیامه، ج ۱، ص ۹۶۹. ۱۲. همانجا؛ محمد داغ و رشید اویمن، ص ۹۶.

ترجمه انگلیسی آن در لندن به چاپ رسید.<sup>۱</sup>  
متن عربی کتاب نخستین بار در ۱۳۱۹ در مصر به چاپ رسیده است.<sup>۲</sup>

### ارزش کتاب زرنوجی

در مورد ارزش کتاب زرنوجی نظریه‌های متفاوتی به چشم می‌خورد، برخی مانند عبدالله عبدالدائم معتقد است که با حجم کم، بسیار پرفایده و با ارزش است زیرا این کتاب خلاصه آرای مربیان مسلمان تا آن زمان است و در طول قرون گذشته مورد عنایت و توجه مسلمانان بوده است و شرحها و تعلیقه‌های متعددی بر آن نوشته شده است.<sup>۳</sup>

ابراهیم سلامة این کتاب را بسیار با ارزش دانسته و از نظر تربیتی و روانشناسی بسیار با اهمیت تلقی کرده است و حتی آن را از نظر تعلیم و تربیت مهمتر و با ارزشتر از کتاب قایسی ارزیابی نموده است.<sup>۴</sup>

عارف عبدالغنی صرفاً زرنوجی را در ردیف مربیان مسلمان یاد کرده و به تعداد فصول کتاب وی و خلاصه مطالب آن اشاره کرده است.<sup>۵</sup>

نظر دیگر این است که کتاب زرنوجی فقط گفتار گذشتگان را نقل کرده است و خود نظریه‌ای تربیتی ندارد ولی مطالب را خوب انتخاب و دسته‌بندی کرده و به همین دلیل شهرت یافته است.<sup>۶</sup>

برخی از غربیان نیز درباره این کتاب به عنوان یک کتاب تعلیم و تربیت سخن گفته‌اند و از مؤلف آن به عنوان یک فیلسوف تربیتی یاد

۱. همانجا.

۲. در این نوشتار همین چاپ مورد مطالعه و تحقیق، قرار گرفته است و تصویر آن در کتابخانه دفتر همکاری حوزه و دانشگاه موجود است.

۳. عبدالدائم، ص ۲۶۰.

۴. محمد منیر موسی، تاریخ التربية فی الشرق و الغرب، القاهرة ۱۹۹۳، ص ۲۷۸.

۵. عبدالغنی، دمشق، ص ۲۶۶-۲۷۰. ۶. دائرة المعارف الاسلامیة، ج ۱۰، ص ۳۴۶.

کرده‌اند<sup>۱</sup>. اقدام برای ترجمه به زبان آلمانی و انگلیسی و چاپ و نشر آن گواه این است که این کتاب در نظر آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است.

احمد فؤاد اهوانی کتاب زرنوجی را کم‌حجم و بسیار کم‌ارزش دانسته و معتقد است که کم بودن تألیفات تربیتی در بین مسلمانان، دلیل شهرت چنین کتابی در بین آنها شده است. وی می‌گوید: نظر من این است که این کتاب از نظر تعلیم و تربیت زیاد با ارزش نیست زیرا اولاً حجم بسیار کمی دارد و حتی به اندازه یک فصل از فصول مباحث تربیتی که در کتب فقه تدوین شده است، نیست. ثانیاً نظریه جدید تربیتی در آن مطرح نشده است بلکه مؤلف آنچه متداول و معروف بوده، همراه با حکایتها، اشعار و امثال نقل کرده است. ثالثاً مطلب ذکر شده براساس مطالب علمی مستند نیست و در بسیاری موارد بحث را تا سطح عقاید و همی عامه مردم تنزل می‌دهد. مانند اینکه: جارو کردن در شب، سوزاندن پوست پیاز و سیر، شانه زدن با شانه شکسته، نشسته عمامه بستن، ایستاده شلوار پوشیدن و نظایر آن را مانع رزق دانسته است. چنین اظهارنظرهایی شایسته علما نیست. زرنوجی در این کتاب پا جای پای اهل سنت متمایل به تصوف گذاشته و نظریات صوفیانه و نه نظریات علمی ابراز می‌کند، مثلاً برای متعلم شرط می‌کند که با زبان و قلب به شکر خدا پردازد و فهم و علم و توفیق را از خدا بداند و هدایت را با دعا و تضرع از او طلب کند. سپس می‌گوید: اهل حق که همان اهل سنت و جماعتند، حق را از خدا مطالبه می‌نمایند. اهوانی بعد از این در مقایسه تصوف غزالی با تصوف زرنوجی می‌گوید: غزالی هم قبل از زرنوجی اهل تصوف بود اما او نظر علمی داشت و به همین دلیل لازم می‌دانست که انسان

۱. همان، ص ۳۴۵. به نقل از ادوارد ثان دیک در کتاب *اکتفاء القنوع بما هو مطبوع*، قاهره ۱۸۹۶.

ص ۱۹۰؛ بروکلیمان، ج ۱، ص ۳۷۹.

در آغاز به معرفت علوم پردازد، و بعد از تحصیل علوم، در آخر عمر به تصوف روی آورد. اما زرنوجی بعد از اینکه به متعلم توصیه می‌کند که به مذاکره، مناظره و تبادل نظر و دقت و تأمل پردازد، مطالب غیرعلمی را یادآور می‌شود مانند اینکه از ابوحنیفه نقل می‌کند که گفته است: من علم را با حمد و سپاس و شکر به دست آورده‌ام، در حالیکه حمد و شکر و سپاس، بعد از تحصیل است نه آنکه از اسباب تحصیل علم به حساب آید؛ و یا اینکه خود زرنوجی می‌گوید: متعلم نباید بر خود و عقل خود اعتماد کند بلکه باید برخدا توکل کند و حق و هدایت را از او مطالبه نماید. به نظر من این نوع پند و اندرزها است که روح اتکا به غیر و کسالت و عدم اعتماد به نفس را در بین مسلمانان به وجود آورده است.

از جمله مطالب غیرعلمی که وی مطرح می‌کند این است که متعلم با رنگ قرمز ننویسد. نوشتن با مداد قرمز کار فلاسفه است و سنتی نیست که از اسلاف ما رسیده باشد. این نظر بدون دلیل معقول و در غایت جمود است. مگر نوشتن با مداد قرمز چه عیبی دارد؟!

همچنین وی می‌گوید متعلم می‌تواند کسالت و فراموشی خود را با کم خوردن غذا درمان کند. اینها نمونه‌هایی از نظرات غیرعلمی است که زرنوجی در کتاب خویش آورده است. البته نظریاتی هم دارد که با نظریات جدید دانشمندان معاصر مطابقت دارد ولی اینها هم بر تجربه استوار نیست.<sup>۱</sup>

### نقد کلام اهوانی

به نظر نگارنده این چنین اظهار نظر در مورد کتاب زرنوجی خود نقدی غیرعلمی است، علاوه بر آنکه این نوع داوری بسیار دور از انصاف است.

۱. احمد فؤاد اهروانی، التریبۃ فی الاسلام او التعلیم فی رأی القابسی، قاهره ۱۹۵۵، ص ۲۳۹-۲۴۱.

زیرا اولاً گرچه حجم کتاب کم است ولی دارای یازده فصل است که ده فصل آن مستقیماً دربارهٔ تعلیم و تربیت است و به بیان مسائل مهم در این موضوع پرداخته است.

ثانیاً اموری که به عنوان عقاید وهمی عامهٔ مردم و غیرعلمی، از ایشان نقل شد، بیشتر اموری است که در روایات به عنوان مکروه ذکر شده است و باید توجه داشت که لازم نیست، همه چیز به صورت علمی - تجربی به دست آمده باشد. اصولاً دانشمندان اسلامی که در تعلیم و تربیت سخن گفته‌اند، همانند زرنوجی، برداشتهای خویش را از متون اسلامی بیان کرده‌اند و غرض آنان این است که نظام تعلیم و تربیت اسلامی را مطرح کنند، بنابر این نیاز نیست که نظریاتشان بر تجربه استوار باشد. همانطور که بسیاری از آنچه در تعلیم و تربیت امروزی مطرح است، بر تجربه استوار نیست مانند اهداف کلی که در هر مکتب تربیتی مطرح می‌شود، از تجربه علمی بدست نیامده است بلکه بیشتر تحلیلهای عقلی و آرمانهای آن مکتب است که در نظام تعلیم و تربیت خویش بر آنها تأکید می‌شود. بنابر این نباید پنداشت به این علت که نظریه‌های زرنوجی تجربی نبوده است، اعتبار ندارد.

جای تعجب است که اهوانی بر زرنوجی چنین خرده می‌گیرد با اینکه وی بر تجربه هم تأکید دارد، ولی دربارهٔ قابسی چنین نمی‌گوید، بلکه در مورد نظریه‌های غیرتجربی و شیوهٔ او می‌گوید: ما شیوهٔ او را ملامت نمی‌کنیم. این نوع شیوه در آن زمان بوده است و باید آن عصر را ملامت کرد که شیوهٔ مشاهده و تجربه در آن وجود نداشته است و افراد از دو جانب یعنی منطق و دین، در محدودیت قرار می‌گرفته‌اند. راه کشف حقیقت، صرفاً تجربه نیست بلکه منطق و دین از متقنترین راههای کشف حقایق، بویژه در تعلیم و تربیت

است.

ثالثاً آنچه زرنوجی در مورد شکر به طالب علم توصیه می‌کند این است که وی به صورت همه جانبه، نسبت به نعمتهایی که خدا به او داده و او را به فهم و درک علوم موفق نموده است، سپاسگزاری کند و شکرزیانی، قلبی، عملی و مالی داشته باشد. این مطلب در قرآن و روایات ذکر شده و از مسلمانان خواسته شده است که چنین عمل کنند. این نوع سخن گفتن به هیچ وجه دلیل گرایش زرنوجی به تصوف نیست. تعبیر اهل حق هم حکایت از تمایل وی به تصوف ندارد زیرا خود با عبارت «فاهل الحق و هم اهل السنة و الجماعة طلبوا الحق من الله تعالی الحق المبين الهادی العاصم فهداهم الله تعالی و عصمهم من الضلالة أعجبوا برأيهم و عقلهم و طلبوا الحق من المخلوق العاجز و هو العقل لان العقل لا يدرك جميع الاشياء كالبصر لا يبصر جميع الاشياء»<sup>۱</sup> منظور خویش را روشن کرده است که اهل حق همان اهل سنت حنفی مسلکند که هدایت را از خدا می‌خواهند و برای هدایت خویش تنها بر عقل خود تکیه نمی‌کنند، زیرا می‌دانند که عقل همه چیز را درک نمی‌کند. علاوه بر این زرنوجی فصلی در جدیت و کوشش دارد و مسلماً منظورش از کلام فوق، عدم به کارگیری عقل و عدم کوشش در راه هدایت نیست بلکه می‌خواهد نقص و عجز عقل و نفس بشر را گوشزد کند و توجه آنها را به خدا و توکل بر او جلب نماید. و ازینرو به دنبال جملات فوق در فرموده حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم «من عرف نفسه فقد عرف ربه» می‌گوید: «فاذا عرف عجز نفسه عرف قدرة الله تعالی عز و جل و لا يعتمد علی نفسه و عقله بل يتوکل علی الله تعالی و يطلب الحق منه».<sup>۲</sup> روشن است که وی می‌خواهد روحیه توکل را در متعلم زنده کند و تأکید وی



بر توجه به خدا و توکل به او به هیچ وجه دلیل تمایل او به تصوف نیست. رابعاً آنچه زرنوجی از ابوحنیفه نقل می‌کند که علم را با حمد و شکر به دست آوردم. این بدین معنی است که شکر و حمد به عنوان عاملی از عوامل معنوی در ازدیاد علم و پیشرفت علمی متعلم می‌تواند مؤثر باشد و این مطلب در قرآن و روایات به صورت گسترده بیان شده است که شکر نعمت، نعمت را زیاد می‌کند و شکر نعمت عقل و علم، باعث ازدیاد علم و عقل می‌شود. به همین منظور، زرنوجی قبل از نقل کلام ابوحنیفه، در مورد نعمت عقل و علم، شکر و حمد را مطرح می‌کند و می‌گوید: «لأنه شکر علی نعمة العقل و العلم و أنه سبب للزيادة»<sup>۱</sup>.

به نظر نگارنده کتاب زرنوجی گرچه کم حجم است ولی در آن مسائل مهم تربیتی و روانشناسی مانند انگیزه تحصیل، آمادگی روانی قبل از تحصیل، شیوه آموزش، اخلاق متعلم، عوامل پیشرفت تحصیلی و عواملی که باعث افت تحصیلی می‌شود را بررسی کرده است. گرچه گفته شده است وی آرای گذشتگان را جمع‌آوری کرده و از خود نظر جدیدی ندارد<sup>۲</sup> و یا از غزالی متأثر است<sup>۳</sup> و فکر متمایل به تصوف دارد.<sup>۴</sup> ولی باید توجه داشت که وی آرای مدون و نظام‌یافته دیگران را جمع‌آوری نکرده است بلکه آرای غیرمنظمی وجود داشته و وی در گزینش مسائل و دسته‌بندی آنها ابتکار داشته است. چنین کتابی که تماماً درباره موضوع تعلیم و تربیت باشد تا آن زمان، در بین مسلمانان وجود نداشته است. کتاب زرنوجی مانند کتابهای ابن‌سحنون و قابسی نیست که به شیوه فقهی، مباحث فقهی و حقوقی را با مباحث تعلیم و تربیت مخلوط کرده باشد بلکه تمامی مطالب به صورت منظم و فصل‌بندی شده در تعلیم و تربیت و مبانی روانشناختی آن

۱. همانجا. ۲. اهوانی، ص ۲۳۹. ۳. عبدالدائم، ص ۲۶۰. ۴. اهوانی، ص ۲۳۹.

است.

در مورد این ادعا که وی از غزالی متأثر است و همانند او فکر صوفیانه دارد نیز گفته می‌شود که قبلاً شواهدی را که برخی<sup>۱</sup> بر این ادعا ذکر کرده بودند، غیروافی به مقصود دانستیم. علاوه بر این زرنوجی در کتاب خویش هرگاه مطلبی را به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از کسانی گرفته یا افکار آنان در وی تأثیر داشته است، از آنها با اهمیت بیشتری یاد می‌کند، ولی در سراسر کتاب یک مورد هم یافت نمی‌شود که از غزالی یا کسانی که متمایل به تصوفند مطلبی را نقل کرده باشد یا نامی از آنها ببرد. این شاهد خوبی است بر اینکه او در تألیف این کتاب از آثار غزالی و مانند آن که موافق با مذهب او نبوده، سود نجسته است. غزالی شافعی مذهب است و در مدارس نظامیه بغداد تدریس می‌کرد و کتابهایی از قبیل الوسیط، البسیط و الوجیز را در ترویج مذهب شافعی، نوشته است و با این آثارش تألیفات فقهی دیگر مذاهب را تحت الشعاع قرار داد به گونه‌ای که آنها دیگر چنان نمودی نداشتند. در حالی که زرنوجی حنفی مذهب است و سراسر کتاب وی حاکی از آن است که جز از حنفی مذهب، مطلبی نقل نکرده است<sup>۲</sup>، بنابراین قاطعانه نمی‌توان گفت که زرنوجی متأثر از غزالی است.

### محتوای کتاب

زرنوجی در مقدمه کتاب، لزوم یادگیری و تقسیم‌بندی علوم را از حیث لزوم تعلم بیان می‌کند و در فصل اول با عنوان «انگیزه تعلم» با ذکر انگیزه‌های بارزش در یادگیری، فراگیری را با معنویت پیوند می‌دهد و هماهنگ می‌سازد و معتقد است محصلی که با انگیزه الهی درس می‌خواند

۱. همان، ص ۲۳۹-۲۴۰. ۲. دائرة المعارف الاسلامیه، ج ۱۰، ص ۳۴۶.

از معلومات خود برای خدمت به مردم و ارتقای خویش و جامعه، استفاده می‌کند و هرگز علوم خویش را به زیان جامعه به کار نمی‌گیرد. وی معتقد است این انگیزه باعث می‌شود که شخص در طول تحصیل به کسب تقوا بپردازد و پس از فراغت از تحصیل و پذیرفتن مسئولیت با تعهد دینی و الهی در خدمت مردم باشد.

احیاء تفکر دینی، لذت بردن از تعلم و آموزش به دیگران و سپاسگزاری، از دیگر انگیزه‌هایی است که زرنوجی در یادگیری مطرح می‌سازد.

یادگیری در نظر زرنوجی به دوره‌ای خاص از دوره‌های رشد محدود نمی‌شود بلکه از کودکی آغاز و تا پایان عمر ادامه دارد، ولی بهترین دوران تحصیل را دوره‌های کودکی، نوجوانی و اوایل دوره جوانی ذکر می‌کند، زیرا آمادگی فرد از نظر رشد بدنی، عقلانی، عاطفی و... در این دوره‌ها نسبت به دوره‌های نوزادی، طفولیت، میانسالی و کهنسالی بیشتر و مناسبتر است.<sup>۱</sup>

چگونگی موفقیت یادگیرنده از موضوعات مهم یادگیری است که مورد توجه زیاد زرنوجی است؛ وی نه عامل را برای پیشرفت تحصیل برمی‌شمارد و نسبت به موانع آن به متعلم هشدار می‌دهد. به نظر وی همت بلند و جدیت، همراه با هم عامل پیشرفت یادگیرنده می‌شود و اگر متعلم در یکی از آن دو ضعیف باشد موفقیت چندانی در تحصیل به دست نمی‌آورد. البته تنها جدیت و همت متعلمان برای موفقیت در تحصیل کافی نیست بلکه جدیت و کوشش هماهنگ معلمان و اولیا را نیز لازم دارد. زرنوجی با ذکر آیاتی از قرآن و حدیث نبوی دون‌همتی و سستی را آفت تحصیل ذکر می‌کند و نمونه‌هایی از بلندهمتی و جدیت دانشمندان را به عنوان عامل موفقیت آنها بیان می‌نماید.<sup>۲</sup>

۱. زرنوجی، فصل ۳-۴، ۵، ۶. ۲. همان، فصل ۳، ۷.

مشاوره با معلمان در انتخاب رشته تحصیلی نیز در پیشرفت تحصیلی مؤثر است، زیرا معلمان بهتر از هر کس دیگر می‌توانند متعلمان را با توجه به تفاوت‌های فردی و استعدادها و علاقه‌هایشان در رشته مناسب علمی، هدایت کنند. زرنوجی تجربه نسل‌های گذشته را در این زمینه یادآور می‌شود و مشاوره در انتخاب رشته تحصیلی را یکی از اسباب پیشرفتهای استادان و بزرگان علمی به حساب می‌آورد.<sup>۱</sup>

هوش و حافظه نیز از نظر زرنوجی از مهمترین عوامل یادگیری است. او هوش و حافظه را جدای از یکدیگر نمی‌داند و از هر دو به عنوان حافظه یاد می‌کند و اموری را هم که سبب قوی شدن حافظه می‌شود برمی‌شمارد. کوشش در فهم درست مطالب درسی، مطالعه منظم و حفظ تدریجی، کم کردن مشغولیات ذهنی به امور بیهوده و غیردرسی، مسواک کردن، پرهیز از پرخوری و... همه اموری هستند که به نظر وی در تقویت حافظه مؤثرند.<sup>۲</sup>

زرنوجی فترت و فاصله زمانی در مقاطع تحصیلی را مانع پیشرفت تحصیلی می‌داند و از استاد خود نقل می‌کند که موفقیت‌های وی مرهون پیوستگی تحصیلی او بوده است. بنابراین باید از ترک تحصیل موقتی نیز جلوگیری شود تا باعث افت تحصیلی در دانش‌آموزان نشود.<sup>۳</sup>

یکی دیگر از عوامل پیشرفت تحصیلی مطالعه دقیق و اندیشه‌ورزی عمیق است که بصیرت و بینش را در یادگیرنده پدید می‌آورد. به نظر زرنوجی مطالعه و اندیشه‌ورزی در صورتی می‌تواند بینش را در یادگیرنده سبب شود و عامل پیشرفت او شود که در شرایط مناسب روانی انجام شود و شخص با نشاط و بدون خستگی و هیچگونه ناراحتی و اضطراب مطالعه نماید. وی برای رفع خستگی و ایجاد نشاط در مطالعات پی‌درپی، شیوه تغییر موضوع

و متنوع ساختن مطالعه را پیشنهاد می‌کند و تجربیات ابن عباس و محمد بن حسن بخاری را در این زمینه، دلیل مؤثر بودن این شیوه ذکر می‌کند.<sup>۱</sup> بهره‌برداری کامل از وقت نیز از عوامل پیشرفت در نظر زرنوجی است. وی با استفاده از فرموده پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و تجربیات علمای گذشته، توصیه می‌کند که هر متعلمی برنامه‌ریزی کند تا کاملاً از وقت خود استفاده کند و برای این منظور ابزار مطالعه، تحقیق و یادداشت خود را همیشه به همراه داشته باشد و در شرایط مناسب از استادان و صاحب‌نظران سؤال کند و راهنمایی بخواهد و آنها را به رشته تحریر درآورد و به جمع‌آوری و مطالعه و بررسی آنها پردازد.<sup>۲</sup>

زرنوجی از مباحثه و مذاکره علمی به مشاوره علمی تعبیر می‌کند و آن را از مطالعه مکرر، در پیشرفت متعلمان مؤثرتر می‌داند و در اهمیت و تأثیر آن می‌گوید: به تجربه ثابت شده است که یک ساعت مباحثه از یک ماه مطالعه مکرر مفیدتر است. وی مباحثه را نه تنها در رشد علمی متعلمان با اهمیت ذکر می‌کند بلکه با توجه به اصل مجاورت آن را در رشد اخلاقی آنان نیز بسیار مؤثر می‌داند و به همین دلیل به متعلمان توصیه می‌کند تا هم مباحثه‌های خود را با دقت از بین همشاگردیهای وارسته انتخاب کنند و در بحث نیز از هرگونه خشم، اضطراب و شدت و حدت بپرهیزند و سعی نکنند یکدیگر را اغفال نمایند یا لغزشهای یکدیگر را به رخ بکشند بلکه با روحیه همکاری و تعاون و انصاف برای روشن شدن بهتر مسائل و کشف حقایق علمی کوشش نمایند.<sup>۳</sup>

اختصاص بودجه‌ای برای متعلمان و هزینه زندگی و تهیه امکانات تحصیلی، به نظر زرنوجی، زمینه پیشرفت تحصیلی را فراهم می‌سازد. ازینرو

تأکید می‌کند برای ادامه تحصیل دانش‌آموزانی که شخصاً مال ندارند و ولی ثروتمند هم ندارند، ثروتمندان هر بخش خرج تحصیل آنان را عهده‌دار شوند و دانش‌آموزان در سنین بالاتر که قادر بر کارند، حرفه‌ای بیاموزند و شغلی را انتخاب کنند و با درآمد حاصل از آن به تحصیل بپردازند. زرنوجی درس خواندن همراه با کار را شیوه علمای گذشته ذکر می‌کند و معتقد است که بسیاری از آنان بدون تکیه بر درآمد دیگران، توانسته‌اند به موفقیت چشمگیر دست یابند.<sup>۱</sup>

بخش دیگری از کتاب *تعلیم المتعلم طریق التعلیم زرنوجی درباره اخلاق و آداب متعلم است*. به نظر زرنوجی پاسداری از حرمت علم، توجه به شأن و مقام رفیع معلم و احترام به او در کلام و رفتار، حرف شنوی از او، استماع نیک و خوب گوش دادن و دل به درس معلم سپردن، با ارزش تلقی کردن کتاب و کلاس، زیبا نوشتن، کتابت مطالب درسی پس از آنکه خوب فهمیده شود، انتخاب دوست و هم‌بحث شایسته، احترام به هم‌شاگردیها، تحمل سختی و مشکلات زندگی در راه تحصیل و صرف مال برای آن، اشتغال به دیگر کارهای خوب و پسندیده در اوقات فراغت و تعطیل، پرهیز از تضييع وقت، اجتناب از اخلاق رذیله مانند غیبت، سوءظن، عداوت و کینه‌توزی، دوستی با اهل فساد، پرخوری، خواب زیاد و... همه و همه از وظایف آداب و اخلاق محصل به شمار می‌آید.<sup>۲</sup>

در دیدگاه زرنوجی، معلم در تعلیم و تربیت نقش محوری و اساسی دارد و ازینرو در فصول متعدد از کتابش به بیان وظایف معلم و صفات و ویژگیهایی که باید دارا باشد می‌پردازد. وی بر این اعتقاد است که معلم بدون این ویژگیها نمی‌تواند وظیفه خود را ایفا نماید. یکی از ویژگیها حفظ عزت و

شأن معلمی است و این بدین معنی است که معلم از امور ذلت آور و پست، اخلاق ناشایست و هر آنچه حیثیت معلمی را تزیین می‌سازد، باید پرهیز نماید، احترام همکاران خود را داشته باشد و در حفظ آبرو و عزت آنها بکوشد. هر معلمی از سوءظن به معلم دیگر اجتناب نماید و به نزاع و مخاصمه با دیگری برنخیزد.

آمادگی تدریس ویژگی دیگر معلم است. معلم باید هم توانایی کافی را در آموزش و شیوه تدریس صحیح به دست آورد و هم مواد و موضوعات درسی را درست و مناسب با سطح فهم دانش آموزان انتخاب نماید و به آنها آموزش دهد. آمادگی تدریس سبب می‌شود تا معلم علاوه بر پاسداری از عزت معلمی، از إغراء به جهل متعلمان مصون بماند و انحراف فکری، عقیدتی، اخلاقی و رفتاری در آنان پدید نیآورد بلکه موجبات رشد و پیشرفت علمی و اخلاقی را برایشان فراهم سازد.

همچنین زرنوجی ضمن اینکه تواضع و فروتنی و دوری از تکبر را برای معلم لازم می‌شمرد، توأم بودن دو صفت شفقت و نصیحت و خیراندیشی نسبت به متعلمان را تأکید می‌کند و می‌گوید: معلم همانند پدری مهربان باید نسبت به سرنوشت متعلم و خیر و صلاح وی، حساس باشد و شفقت و نصیحت را هماهنگ با هم اعمال کند تا تأثیر بیشتری داشته باشد. موفقیت معلم در ایفای وظیفه خود به إعمال هماهنگ این دو ویژگی بستگی دارد.<sup>۱</sup> زرنوجی برای موفقیت معلم در تعلیم و تربیت متعلمان إعمال شیوه‌های دیگری را نیز لازم می‌داند:

۱. معلم باید درس را برای متعلمان، بویژه مبتدیان در روزهای مبارک و ایام خوشی آنان آغاز کند تا رغبت به درس و فراگیری علم در آنها زیادتر شود

و به آن به عنوان امر مقدس و مبارک بنگرند.

۲. اهمیت و ارزش علم و آثار آن در زندگی مادی و معنوی برایشان به صورت خیلی ملموس بازگو شود تا با انگیزه قوی به فراگیری بپردازند.

۳. کلاس درس نباید طولانی و خسته کننده باشد.

۴. ارائه مطالب به اندازه کشش فراگیری متعلمان باشد. حجم زیاد درس مبتدی را برای فهم و حفظ مطالب دچار مشکل می سازد بنابراین لازم است درس برایش تکرار شود و با مرور زیادتری آن را حفظ کند. اگر مدتی این چنین به یادگیری ادامه دهد وی عادت به تکرار می کند یعنی تا تکرار و مرور زیاد نکند نمی فهمد یا حفظ نمی شود. ترک این عادت هم کار آسانی نیست و در نتیجه متعلم دچار کند ذهنی تصنعی و ناتوانی در حافظه می شود.

۵. سیر آموزش را از آسان به مشکل قرار دهد زیرا این شیوه موجب می شود متعلم مسائل را راحت تر بفهمد و به حفظ مطالب اقدام کند و کمتر خستگی و ملالت به او روی آورد. زرنوجی این روش را به عنوان روشی که تجربه شده و در یادگیری بسیار مؤثر است، تأکید می کند.

۶. از سختگیری بپرهیزد و با متعلمان با رفق برخورد نماید. زیرا سختگیری این احساس را در متعلم زنده می کند که درس بر او تحمیل می شود و او هم مقاومت می کند و نتیجه اش افت تحصیلی متعلم خواهد شد<sup>۱</sup>؛ و سرانجام فصل یازدهم کتاب درباره رزق و روزی و موجبات آن است.